



در ازدواج با افراد طلاق گرفته چه نکاتی را باید در نظر گرفت؟

یک روانشناس گفت: ازدواج دوم در حقیقت اثبات ازدواج اول است. اگر فردی در ازدواج اول خود شکست خورده، می‌تواند اشتباهی باشد که محصول خیلی چیزهاست.

یک روانشناس گفت: ازدواج دوم در حقیقت اثبات ازدواج اول است. اگر فردی در ازدواج اول خود شکست خورده، می‌تواند اشتباهی باشد که محصول خیلی چیزهاست. خیلی از ازدواج‌ها در سنین جوانی اتفاق افتاده و پر از هیجان است اما در ازدواج دوم، معمولاً کسی این موضوع را نمی‌پذیرد.

به گزارش سلامت نیوز، دکتر مصطفی فروتن، روانشناس و رفتارشناس اجتماعی در گفت‌وگو با مهرخانه، با اشاره به مهم‌ترین نکات در زمینه ازدواج‌ها پس از طلاق تصریح کرد: این موضوع بحث بسیار تخصصی، گسترده و پیچیده‌ای است که متغیرهای زیادی در آن نقش دارند؛ اما به طور کلی طلاق از عوارض زندگی بشر امروز است. طلاق از گذشته بوده و در شرایط کنونی هم شاهد این هستیم که با گسترش زندگی صنعتی، به‌عنوان یکی از مشتقات و عوارض این زندگی رشد خود را نشان می‌دهد. دلیل بروز و گسترش طلاق جای بحث دارد و بسیار مهم است. از طرفی توجه به ذات انسان، موضوع مهمی است. خداوند به‌طور مستقیم در قرآن می‌فرماید که انسان را زوج آفریدیم؛ یعنی نیاز ذاتی انسان به زوجیت است.

روند جامعه تا حدودی از تابو بودن طلاق کاسته است

او با بیان این‌که در شرایط کنونی برخی محدودیت‌ها کم شده یا یک‌سری محدودیت‌ها اساساً دیگر وجود ندارد، افزود: در دو یا سه دهه پیش اگر کسی در مورد طلاق خود صحبت می‌کرد معمولاً آن را سانسور می‌کرد یا اگر در مدرسه شاهد این بودیم که پدر و مادر دانش‌آموزی جدا شده بودند، آن فرد در تمام مدرسه معروف بود و مدیر و ناظم سعی می‌کردند او را پوشش دهند و سرپوش بگذارند. اما الان در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که خیلی راحت درباره این موضوع صحبت می‌شود و افراد بسیار معروفی در جامعه هستند که زندگی‌شان دوام نداشته است. این روند تا حدودی از بعد تابو و غیراخلاقی و گناه‌محور بودن طلاق کاسته است. البته قبح آن سر جایش است اما تا حد قابل توجهی از آن کاسته شده است.

فرد مطلقه از سوی خود و دیگران مورد مقایسه قرار می‌گیرد

فروتن با اشاره به اصول بدیهی ازدواج افراد مطلقه گفت: ازدواج افراد مطلقه صرفاً از جنسیت، چند اصل بدیهی و اولیه دارد. باید بدانیم که وقتی فرد مطلقه ازدواج می‌کند، چه از سوی خود و چه از سوی دیگران مورد مقایسه قرار می‌گیرد. وقتی فرد در گذشته زندگی مشترکی داشته و طلاق گرفته و حالا تصمیم دارد با مرد یا زن دیگری زندگی مشترک خود را ادامه می‌دهد، ناخودآگاه باید بداند که فرد مقابل در ذهن خود به‌صورت اتوماتیک مقایسه‌هایی انجام می‌دهد. باید این نکته را به‌عنوان اصلی بدیهی بدانند که فرد مقابل نگاه تیزبینانه‌ای به او دارد. پرونده‌های بسیاری داریم که افراد می‌گویند نکند این فرد مطلقه مشکلی داشته که جدا شده است. پس همیشه شخص جدیدالورود چشمانش را تنگ کرده است. در کنار آن، فرد مطلقه هم چشمانی بسیار تیزبین دارد. در ازدواج‌ها بعد از طلاق شاهد گزارش‌هایی هستیم که فرد را به‌عنوان پارانیوید گزارش می‌کنند یعنی می‌گویند مردی که تازه ازدواج کرده، به من شک دارد.

این روانشناس درباره تفاوت زنان و مردان مطلقه اظهار کرد: بین زن و مردی که طلاق گرفته‌اند معمولاً تفاوت ساختاری زیادی وجود دارد؛ البته نمی‌گوییم همه مردان و زنان مطلقه اما می‌گوییم تفاوت میانگین تفاوت‌ها بین این دو جنس آنقدر زیاد است که نمی‌توانیم تشخیص بدهیم که آیا مردی که طلاق می‌گیرد با همان فرمولی که یک زن طلاق می‌گیرد می‌تواند به زندگی‌اش نگاه کند یا خیر؟ جامعه ما مبتنی بر سنت و فرهنگ است. به صورت مشخص روی زنی که طلاق گرفته فیلترهایی اعمال می‌شود. یکی از بدیهی‌ترین موضوعاتی که در مورد زن مطلقه طرح می‌شود این است که ببین چه کرده است که طلاق داده‌اند. سوالاتی از این دست باعث می‌شود که آن نگاه فرهنگی به

لزوم مشخص شدن هدف؛ ازدواج یا دوستی؟!

او با تأکید بر اهمیت "شفافیت عنوان" بیان کرد: در اینجا موضوع شفافیت عنوان را مطرح می‌کنیم. معمولاً دو فرد وارد رابطه می‌شوند که یکی از آن‌ها حتماً مطلقه است. در این وضعیت چون موضوع ازدواج مطرح است، از هر دو فرد می‌خواهیم بگوییم که آیا سوژه، سوژه ازدواج است یا دوستی و رابطه. چون بحث ازدواج مطرح است بررسی می‌کنیم که قرار است با هم ازدواج کنند یا قرار است دوست باشند و مدت زمانی بگذرانند و اگر خوش‌شان آمد ازدواج کنند. یک نکته دیگر این است که من می‌دانم می‌خواهم چکار کنم اما طرف مقابل از این موضوع خبر ندارد. در ارتباط با افراد مطلقه میزان آسیب‌پذیری و آسیب‌رسانی این افراد بالاست زیرا در گذشته یک شکست را تجربه کرده‌اند؛ در نتیجه از گذشته بار سنگینی را روی دوش خود حمل می‌کنند. اگر اهداف برای هم مشخص نباشد یعنی مثلاً مرد مطلقه با زنی وارد رابطه می‌شود. مرد می‌داند که می‌خواهم با او ازدواج کند اما اگر زن نداند که مرد چه نیتی دارد یا این‌ها که با مرد هم‌نیت نباشد، می‌تواند باعث بروز التهاب و آسیب جدیدی در مرد شود. از طرفی مرد طلاق گرفته اگر چنین احساسی را تجربه کند، محاسبات و خشم‌های فروخورده قبلی را می‌خواهد بر سر فرد جدید بریزد.

علت طلاق فرد را بررسی کنید

این رفتارشناس اجتماعی با اشاره به اهمیت علت طلاق افزود: فرد روبه‌روی فرد مطلقه باید بداند که فرد مورد نظر به چه دلیل جدا شده است. باید به دلیل طلاق توجه شود زیرا فرد طلاق‌گرفته به معنای این نیست که بد یا آسیب‌دیده است. فردی که حاضر می‌شود با یک فرد مطلقه وارد ازدواج شود، باید نکاتی را بداند. شاید فرد در گذار از مرحله ازدواج قبلی که منتج به یک شکست شده، تجاربی را به دست آورده که اتفاقاً باعث شده کیفیت زندگی‌اش بسیار بالاتر برود. از این پرونده‌ها کم نداریم که فرد در زندگی قبلی‌اش خود مرتکب اشتباهاتی شده و از طرفی مقبول اشتباهاتی هم است و مجموع آن‌ها تبدیل به تجربه جامعی شده که آن فرد را برای زندگی بعد پخته‌تر و سنجیده‌تر نشان می‌دهد و باعث می‌شود که برون‌داد بهتری داشته باشد.

هیجان‌محوری در ازدواج مجدد ممنوع!

دکتر فروتن با اشاره به لزوم ارزیابی جامع و مانع از شرایط بیان کرد: منظور از جامع و مانع این است که به مقولات منطق‌محوری به جای هیجان‌محوری بپردازیم. در بحث‌هایی که ازدواج با رویکرد طلاق وجود دارد، ترحم و دلسوزی را زیاد می‌بینیم که اشتباه است؛ چه دختر و چه پسر با نگاه دلسوزانه‌ای می‌گویند این فرد در زندگی گذشته‌اش شکست خورده، من به او دل می‌دهم، می‌پذیرمش و باورش می‌کنیم. باید این را پذیرفت اگر قرار است یک ازدواج انجام شود، ازدواج با فرد مطلقه بسیار حساس‌تر و مهم‌تر از فردی است که هنوز طلاق نگرفته است.

ازدواج با یک فرد طلاق‌گرفته به مراتب حساس‌تر است

این روانشناس به باورهای غلط در رابطه با ازدواج با افراد مطلقه اشاره کرد و ادامه داد: یکی از باورهای بسیار غلط این است که چون یک فرد طلاق‌گرفته در زندگی گذشته‌اش ثبت شده است، پس توقعی ندارند و حضور ما در زندگی‌اش برای او کافی است. افزایش سن ازدواج و پایین بودن میزان خواستگارها، متأسفانه باعث شده که مردان مطلقه به سمت دختران مجرد بروند و این موضوع منجر به این شده که مردان مطلقه این تصور را پیدا کنند که چون شرایط به این شکل است و این‌ها می‌دانند که من مطلقه هستم پس من هیچ‌یک از آداب و رسوم رسمی را برپا نمی‌کنم. یا برعکس مردانی که با زنان مطلقه وارد رابطه می‌شوند، می‌گویند چون این‌ها مطلقه هستند، ارزش و احترام یک زن مجرد را از نظر دوشیزگی ندارند. این را به‌راحتی می‌توانیم از اصل اساسی می‌دانیم؛ می‌خواهم اعلام کنم که نه‌تنها ازدواج با یک فرد مطلقه راحت‌تر نیست بلکه به مراتب حساس‌تر است. یعنی این فرد نه تنها امتیازاتی نگرفته بلکه غمی هم دارد و ازدواج با چنین افرادی باید حساب‌شده‌تر، منطقی‌تر و محورتر و با اصول و فنون بارزتر و مهم‌تری باشد تا بخواهیم با هیجان و عواطف و احساسات به آن نگاه کنیم.

پنهان‌کاری منجر به سوءاستفاده می‌شود

او به اهمیت عدم پنهان‌کاری پرداخت و افزود: یکی دیگر از مواردی که بسیار بر آن تأکید می‌کنیم، پرهیز از پنهان‌کاری است؛ یعنی در بسیاری از این روابط، افراد به این سمت و سو می‌آیند که مثلاً اگر خانواده من

بفهمند که تو طلاق گرفته‌ای؛ ای، اجازه ازدواج نمی‌دهند و به صورت پنهانی رابطه‌ی زنج‌ای را ایجاد می‌کنند. اگر رابطه‌ی زنج‌ای قرار است براساس ازدواج پیش برود، ضروری است که خانواده درگیر شوند و بدانند که شرایط به چه شکلی است. زیرا به دنبال هر پنهان‌کاری یک‌زنج‌سری اتفاق منفی هم وجود دارد. یعنی رابطه نامشروع و اتفاقات نامشروعی هم ممکن است پیش بیاید. متأسفانه باورهای غلطی در خصوص ازدواج‌زنج‌های شکست‌زنج‌خورده یا طلاق وجود دارد که باعث می‌شود سوءاستفاده‌ی زنج‌های مختلفی اتفاق بیفتد.

بر شرایط فرد مطلقه اشراف کامل داشته باشید

این رفتارشناس اجتماعی با تأکید بر اشراف کامل بر شرایط فرد مطلقه در ازدواج گفت: فردی که به عنوان یک شریک در برابر یک فرد مطلقه قرار می‌گیرد، باید به محدودیت‌ها و شرایط فرد مطلقه کاملاً اشراف داشته باشد. اشراف داشتن به معنای دانستن نیست بلکه به معنایی بالاتر از این قضیه است؛ یعنی باید به مرحله باور و یقین برسد. مثلاً می‌دانی از این آدم چه چیزی جا مانده است؟ می‌دانی این زن مطلقه بچه‌ای دارد و در برابر چه کسانی باید پاسخ‌گو باشید؟ یا بالعکس اگر با یک مرد مطلقه وارد رابطه هستید، آیا می‌دانید که پرداخت‌هایی مانند مهریه و نفقه باید وجود داشته باشد؟ اشراف داشتن یعنی این‌زنج‌که اگر فرد مطلقه بچه‌ای دارد، باید بدانیم که این فرد از بچه‌اش جدا نیست. نمی‌توانیم بگوییم زن بدون بچه‌اش یا مرد بدون بچه‌اش، مرد بدون پرداخت مهریه و نفقه‌اش. این‌زنج‌ها تمام اشتباهاتی است که ازدواج بعدی را هم مجدداً به حاشیه و دردمس می‌اندازد. تأکید مکرر داریم که به همه جوانب حتی در ارتباط با خانواده فرد توجه داشته باشند.

تا زمانی که یک رابطه تمام نشده است، وارد رابطه دیگر نشوید

فروتن درباره زمان ورود به رابطه بعدی تصریح کرد: بسیاری از طلاق‌ها آن‌هایی است که هنوز انجام نشده، و زوجین جدا از هم زندگی می‌کنند که متأسفانه امروزه تعداد زیادی را هم شامل می‌شود. تا یک زندگی تمام نشده، نباید وارد رابطه دیگری شد. مثلاً چند سال است یک زوج جدا از هم زندگی می‌کنند. این پیش‌فرض وجود دارد که این‌ها از هم جدا شده‌اند و وارد رابطه‌ی می‌شوند و در آن رابطه می‌خواهند ازدواج کنند که متأسفانه تبعات بسیار بدی را به بار می‌آورد. اما پس از طلاق باید دوره‌ی را برای التیام بگذرانند و سپس وارد رابطه بعدی شوند. در برخی منابع علمی حتی تا سه سال هم این زمان انتظار نوشته شده است. اما با توجه به تغییر سریع شرایط در جامعه‌ی می‌کنیم، باید اجازه داد تا التیام‌هایی اتفاق بیفتد. منظورم از این زمان، زمان عده نیست. منظور این است که این فرد اجازه دهد التهاب ناشی از شکست قبلی‌اش کمی فروکش کند. طلاق مانند از پا در آوردن یک کفش تنگ می‌ماند. وقتی یک کفش بسیار تنگ در پایتان است و شما را بسیار اذیت می‌کند، در آن لحظه فقط به این فکر می‌کنید که آن کفش را در بیاورید و وقتی درآوردید به فکر پوشیدن کفشی هستید که فقط پایتان راحت باشد و در این صورت، به شرایط و ظاهر کفش فکر نمی‌کنید. کمی که پایتان راحت شد، نگاه می‌کنید و می‌گویید من این مدل، این رنگ و این شکل را دوست نداشتم و در نتیجه می‌بیند کفش اول از دست رفت، کفش دوم از دست رفت و شما باید دنبال کفش سوم باشید.

با همسر سابق صحبت کنید

این روانشناس در مورد لزوم صحبت با همسر سابق فرد مطلقه اظهار کرد: وقتی می‌گوییم از زندگی گذشته فرد باید خبردار شود، دقیقاً منظورمان همین موضوع است. زمانی بحث بیماری‌ها را در روابط قبلی دنبال می‌کنیم. دقیقاً پرونده‌ی زنج‌ای داشتیم که جدایی اتفاق افتاده بود چراکه مرد جنون داشت و شب‌ها می‌خواست زن را خفه کند و پس از این‌زنج‌که این زن با تلاش‌های بسیار و با اثبات بیماری روانی همسر، توانسته بود جدا شود، متأسفانه این مرد دوباره ازدواج کرده بود و همین اتفاق با همسر جدیدش پیش آمده بود. در این میان یک نکته کلیدی این است که معمولاً وقتی دو نفر از هم جدا می‌شوند، نسبت به یکدیگر به خوبی یاد نمی‌کنند. مثلاً همسر قبلی فرد هرگز نمی‌گوید این فرد آدم خوبی است. اگر خوب بود، پس چرا جدا شدی؟ پس نه خوب گفتن و نه بد گفتن هیچ‌زنج‌یک نمی‌تواند مصداق بارزی باشد. اما یک‌سری از اصول و کلیات از زندگی گذشته، به صورت ضروری باید دانسته شود؛ مثلاً علت جدایی را می‌پرسیم؛ می‌گوید خیانت. آیا دقیقاً می‌دانیم چرا خیانت اتفاق افتاد؟ آیا ارزیابی خیانت را داریم؟ این‌ها همه مسائلی است که نیاز به متخصص متبحر دارد.

ازدواج فرد طلاق‌گرفته با مجرد یا طلاق‌گرفته؟

او درباره همسان‌زنج‌همسری در افراد طلاق‌گرفته بیان کرد: بهتر بودن ازدواج فرد طلاق‌گرفته با فرد

مجرد یا مطلقه را شرایط تعیین می‌کند. در بحث ازدواج، الگویی به نام همسان‌همسری و الگویی به نام ناهمسان‌همسری داریم. همسان‌همسری یعنی اگر فردی مطلقه است با یک فرد مطلقه دیگر ازدواج کند اما ناهمسان‌همسری می‌گوید که اگر شما مطلقه هستید، با فردی مجرد ازدواج کنید. بحث ناهمسان‌همسری تا حدودی فرهنگی است و ورود به آن ممکن است خطیر و چالش‌برانگیز شود. بر این اساس یک مرد طلاق‌گرفته می‌تواند با یک دختر مجرد وارد رابطه شود اما معمولاً خانواده‌های ایرانی نمی‌پذیرند که یک مرد مجرد با یک زن مطلقه ازدواج کند. البته این موضوع کلی است و جامع نیست. در مجموع ازدواج افراد طلاق‌گرفته حتماً باید در شرایط خود فرد ارزیابی شود. این موضوع به مؤلفه‌های بسیاری بازمی‌گردد که یکی از جامع‌ترین مؤلفه‌های یک ازدواج، داشتن سلامت روان افراد است. وقتی دو نفر با هم سلامت روان داشته باشند، قطعاً می‌توانند در مورد بسیاری از موضوعات به توافق برسند.

برای ازدواج دوم حتماً تحت نظارت یک مشاور متخصص اقدام کنید. این رفتارشناس اجتماعی با تأکید بر این‌که فرمول ازدواج هر کسی حتی از یک جنسیت فرق دارد زیرا شرایط و شان فرق دارد، افزود: بهترین و شایسته‌ترین حرکتی که در ازدواج‌های دوم یا ازدواج‌های پس از طلاق به آن اشاره می‌کنیم، تحت نظارت یک مشاور متخصص بودن است؛ مشاوره که تخصص کافی برای ارزیابی همه‌جانبه و براساس علم و منطق و زندگی امروز داشته باشد تا بتواند ازدواج دومی را که بسیار هم مهم‌تر از ازدواج اول است، ساماندهی کند. ازدواج دوم در حقیقت اثبات ازدواج اول است. اگر فردی در ازدواج اول خود شکست خورده می‌تواند اشتباهی باشد که محصول خیلی چیزهاست. خیلی از ازدواج‌ها در سنین جوانی اتفاق افتاده و پر از هیجان است اما در ازدواج دوم، معمولاً کسی این موضوع را نمی‌پذیرد و همه معتقدند که همسر اول آدم بدی بود؛ آیا دومی هم آدم بدی بود؟! هم فرد طلاق‌گرفته‌ای که می‌خواهد ازدواج مجدد کند و هم کسانی که می‌خواهند با این افراد ازدواج کنند باید کاملاً حواسشان را جمع کنند زیرا این بازی، بسیار حساس، تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز برای هر دو طرف است.